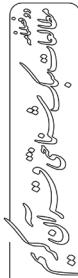


DOI: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.12.4

Semantics of the word "Ihsan" in the Qur'an based on the relations of companionship, succession and semantic opposition

(Received: 2022-07-11 Accepted: 2022-09-13)

mahyar khani moghaddam¹



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

Abstract

Knowledge of semantics is one of the most important tools for understanding the meaning of words based on the semantic system governing the coherent arrangement of words in the Qur'an. One of the prominent words in the field of the rules of religion is "Ehsan", which due to the various functions of jurisprudential issues, especially its realization in "stoning", its meaning in the Qur'anic context will be considered. For this purpose, the present article, after exploring the lexical meaning of the word "Ehsan", based on the descriptive - analytical and semantic method to explain the relationship between the derivatives of the word "Ehsan" and companion words (including "marriage", "believer", "vulva", "village", "Clothes", "halal", "rummy", and "prohibition"), substitute (including "chastity" and "memorization") and has a semantic contrast ("mother", "fat", "prostitute", "traveler", "Baghi") has dealt with it in the Qur'an. According to the results of the research, "Ehsan" creates a state in human beings that he/she self-carefully avoids any crossing of the divine sanctuaries, especially in the field of sexual matters, and like armor prevents the damage to a person caused by deviations and related slanders.

Key words: Ehsan, semantics, succession, companionship, Quran

1) Assistant Professor of Qur'an and Hadith at Gilan University rasht.Iran Email: m.khani@gilan.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۳۱۴-۳۳۱

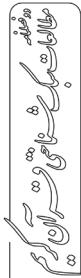
DOI: 20.1001.1.26455714.1400.5.2.12.4

مقاله علمی - پژوهشی

معناشناسی واژه «احسان» در قرآن باتکیه بر روایت همنشینی و جانشینی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۲)

مهریار خانی مقدم^۱



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

چکیده

فهیم واژه «احسان» در حوزه احکام دین، ناظر به روابط بین فردی به ویژه با تأکید بر خانواده بوده و به صدور احکامی (شلاق، اعدام و ...) متنه‌ی می‌گردد. بهترین منبع برای فهم دقیق معنای آن، تبع در چیش حکیمانه الفاظ قرآن با استفاده از دانش معناشناسی است. در مقاله حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای رویکرد معناشناسی، به تبیین رابطه مشتقات واژه «احسان» با واژگان همنشین (شامل «نکاح»، «مومن»، «فرج»، «قری»، «لبس»، «حل»، «رمی» و «منع»)، جانشین (شامل «عفاف» و «حفظ») و دارای تقابل معنایی («ایامی»، «فتی»، «فاحشه»، «مسافحه»، «بغی») با آن در قرآن پرداخته شد. بر اساس نتایج پژوهش، «احسان» فارغ از شرایط حداقلی آن در فقه (ازدواج و اسلام) و حداقلی آن در اخلاق (تقوی و عفت ورزی) حالت در انسان ایجاد می‌کند که به صورت خودمراقبتی از هرگونه عبور از حریم‌های الهی به ویژه در زمینه مسائل جنسی پرهیز نماید و مانند یک زره، مانع از رسیدن آسیب‌های ناشی از انحرافات و به تبع آن، تهمت‌های مرتبط با آن به انسان گردد.

کلید واژه‌ها: احسان، معناشناسی، محور جانشینی، محور همنشینی، تقابل معنایی؛



۱. مقدمه

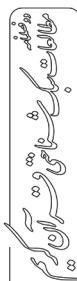
در معناشناسی زبانی، از دو رویکرد در زمانی و هم‌زمانی برای مطالعه معنا استفاده می‌شود که عنصر زمان در رویکرد هم‌زمانی در معناشناسی دخیل نبوده و بر اساس تطور معنا در طول زمان، به بررسی معنا پرداخته نمی‌شود، بلکه کل متن در یک مقطع زمانی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۴۳-۳۹) در این رویکرد، دو نسبت همنشینی و جانشینی برای ترسیم معنای اصلی واژه در همان متن و همچنین مقصود اصلی گوینده بر اساس مؤلفه‌های معنایی، موضوعیت دارد. (صفوی، ۱۳۸۷: ۷۰)

توجه به روابط معنایی واژگان یک متن، به کشف معانی جدیدی فراتر از حوزه لغوی، منتهی خواهد شد و تحلیل کاملی از یک متن، ارائه می‌دهد (ر.ک: پالمر، ۱۳۹۱: ۱۳)، زیرا روابط معنایی، دستاوردهای جدیدی است که بر اساس آن، ارتباط واژگان با یکدیگر بر اساس مؤلفه‌های مختلفی مانند ترادف، شمول معنایی، تقابل، توسعه و تخصیص یا تضییق معنایی، سنجیده شده و تصویر مفهومی تا حدامکان جامعی برای فهم واژگان به دست داده می‌شود. خاستگاه این رهیافت به پژوهش‌های میدان‌های معنایی برمی‌گردد؛ زیرا معنای واژه، تنها در ارتباط با دیگر واژگان، آشکار می‌شود.

بررسی مفهوم «إحصان» در ارتباط با سایر مفاهیم نزدیک به آن و نیز مفاهیم متقابل آن، تکمیل کننده تصویر ساختمان درونی آن است. برای دستیابی به این هدف، روش تحلیل مفهومی بر مبنای روابط جانشینی و همنشینی و تقابل معنایی انتخاب شده تا عناصر معنایی این مفهوم، روابط میان این عناصر و روابط میان کل این مفهوم با سایر مفاهیم که به گونه‌ای با آن ارتباط دارند، مورد کاوش قرار گیرد؛ لذا تصویری که پس از تحلیل مفهومی از مضمون مورد نظر عرضه می‌شود، باید تصویری دقیق‌تر بوده و از غنای کافی برخوردار باشد تا بتواند در عین وضوح بخشی، پیچیدگی مفاهیم را نیز نشان دهد. برای دستیابی به مفهوم درونی واژه «إحصان» باید روابط جانشینی و همنشینی در آیه را واکاوی نمود تا به صورت شایسته، مؤلفه‌های معنایی را به دست آورد.

کلمه «إحصان» در قرآن به کار نرفته، اما مشتقات مختلف از ریشه «حصن»، ۱۸ بار در قرآن به کار رفته و بررسی موارد استعمال اشتقاقات آن و کتب وجوه ونظائر این موضوع را تایید می‌کند که این واژه، مشترک لفظی است. (ابن‌جوزی، ۱۴۰۷: ۵۲۲) در روایات فقهی و آثار فقیهان نیز إحصان و مشتقات آن بیشتر در مجازات زنا و تخطی در روابط جنسی به کار رفته و آرای مختلفی در اصطلاح‌شناسی إحصان در لغت، تفسیر و فقه اسلامی مطرح شده است.

از آنجایی که از مستندات مهم مجازات «رجم» زناکار، شرط إحصان است، پژوهش حاضر در صدد است با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد معناشناسی و بر اساس مکتب بن،



سال پنجم

شماره دوم

پیاپی:

پاییز و زمستان

۱۴۰۰



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

ضمن تعیین هسته معنایی واژه به بررسی توصیفی و تبیین جایگاه معنایی إحصان در نظام واژگانی قرآن با تکیه بر روابط هم معنایی و جانشینی بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که واژه «إحصان» در بافت و کاربرد وحیانی، با چه واژگانی هم نشینی یا جانشینی دارد؟

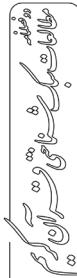
۱. پیشینه پژوهش

مقالات متعددی در باب معنای إحصان با رویکردی فقهی نگاشته شده است: مقاله «اسباب تحقیق و زوال إحصان در اسلامی»، ملک إحصان را به طور کلی امکان تمنع می داند و براساس آن، برخلاف آنچه در قانون مجازات اسلامی مقرر جرائم منافی عفت با رویکردی به قانون مجازات شده، همسر وقت نیز می تواند موجب تحقیق إحصان شود. مقاله دیگر اثر «جان برُّتُّن» است که به معناشناسی اصطلاح إحصان در پرتو روایات تفسیری و آرای فقهی مذاهب اسلامی با رویکرد تاریخی پرداخته است. تنها دلیل اثبات مشروعیت رجم، سنت فقهی است که جان برُّتُّن کوشیده تا پیشینه تاریخی آن را از عصر پیامبر(ص)، صحابه تا عصر تابعان و ائمه مذاهب فقهی و توصیفی از رجم در ادیان مسیحیت، یهود و کتاب مقدس ارائه کند. (Burton, Journal of semitic studies, 1974: Vo 19, pp 47-74)

مدخل «إحصان» در دائرة المعارف قرآن کریم، ضمن بررسی معنای لغوی و اصطلاحی آن، اقسام إحصان بر اساس قرآن و برداشت‌های مفسران بیان شده است. (نویسنده کان، ۱۳۸۷: ۳۱۱-۳۰۷/۲) در مجموع بر اساس تبع نگارندگان، تاکنون پژوهش مستقلی با مسئله و رویکرد پژوهش حاضر به زیور طبع آراسته نشده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

معنا در دو گونه رابطه کلی، قابل بررسی است: رابطه هم نشینی که روابط درون متنی یعنی چگونگی قرار گرفتن عناصر در کنار هم و فرایند انتقال معنا را بررسی می کند و رابطه جانشینی که بر اساس آن، رابطه بینامتنی یعنی چگونگی جایگزینی عناصر به جای هم و علت انتخاب واژه ذکر شده و در متن به جای واژگان احتمالی بررسی می شود. منظور از روابط هم نشینی، تشخیص معنای واژه از طریق معنای واژه های هم نشین است و واژه ها در هم نشینی می توانند معنای خاص به خود بگیرند. (همان، ۱۶۱) در نسبت جانشینی، دسته بندی بر اساس شباهت موجود میان مفهوم ها و مدلول های واژه صورت می گیرد. (ركعی و نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۳۰) رابطه میان واژه های قرآن دو گونه است: رابطه افقی و عمودی، اگر به ارتباط الفاظ در محور افقی بنگریم، معنایی که از واژه به دست می آید به وسیله توصیف بافتی، متن یا همنشینی است اما اگر به نسبت کلمات در محور عمودی کلمات بنگریم، معنا یا معنای دیگری از راه جانشینی برای کلمه به دست می آید. (شریفی، ۱۳۹۴: ۱۹۹)

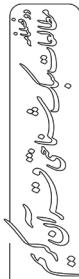


سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

۱.۲. کاربرد «إحسان» در قرآن

مشتقات مختلف ریشه «حُصْنَ» ۱۸ مرتبه در قرآن، استعمال شده که نمایی از آن به شرح جدول ذیل است:

واژگان	تکرار	الفاظ و نشانی آیه
أَحْسَنَ	۱	﴿فَإِذَا أَحْسَنَ فَإِنَّ أَنْتَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْنَ نَصْفُ مَا عَلَى الْمُحْسِنَاتِ مِنَ الْعِذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَيَّسَ الْعَنْتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا حَتَّىٰ لَكُمْ وَاللهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (نساء/۲۵)
أَحْسَنْتَ	۲	﴿وَالَّتِي أَحْسَنْتُ فَرِجَاهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوْحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَإِنَّهَا آيَةٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبياء/۹۱)
الْمُحْسِنَاتِ	۴	﴿وَمَرْبِيَّهُ ابْنَتِ عِمَّرَانَ الَّتِي أَحْسَنَتْ فَرِجَاهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوْحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ النَّابِتِينَ﴾ (تحريم/۱۲)
الْمُحْسِنَاتِ	۳	﴿وَمَنْ لَمْ يَسْطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يُنْكِحَ الْمُحْسِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ قَبْيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللهُ أَعْلَمُ بِمَا يَمْنَأُكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِنَّكُحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... فَعَلَيْنَ نَصْفُ مَا عَلَى الْمُحْسِنَاتِ مِنَ الْعِذَابِ﴾ (نساء/۲۵)
الْمُحْسِنَاتِ	۱	﴿وَالَّذِينَ يُرْءِمُونَ الْمُحْسِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةٍ شَهَادَةٍ فَاجْلِدُوهُنُّ ثَمَانِينَ جَلْدًا وَلَا تُبْلِغُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبِيدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۴)
تَحَصَّنَا	۱	﴿إِنَّ الَّذِينَ يُرْءِمُونَ الْمُحْسِنَاتِ الْعَفَافَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۲۳)
تُحْصِنُونَ	۱	﴿وَلَا يُسْتَفَفِّ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْهِمُهُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَتَبَعَّنُونَ الْكِتَابَ مَا مَلَكَ أَيْمَانُكُمْ كَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمُوهُمْ فَهُمْ خَيْرٌ وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَكُمْ وَلَا تُنْكِحُوهُنَّ فَبَقِيَّاتُكُمْ عَلَىٰ الْبَغَاءِ إِنْ أَرْدَنَ تَحَصَّنَا لَتَبَعَّنُوا عَرَضَ الْجَاهِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكَرِّهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (نور/۳۲)
حُصُونُهُمْ	۱	﴿لَمْ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبِيعُ شَدَادٍ يَأْكُلُنَّ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مَا تُحْصِنُونَ﴾ (يوسف/۴۸)
تَحْصِنُكُمْ	۱	﴿وَهُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوْلَى الْحَسْرِ مَا ظَنَّتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَلَّوْا أَنَّهُمْ مَانعُهُمْ مُحْسُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَنَّا مُمِلِّمُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَعْتَسِوا وَقَدَّ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعبَ يُخْرِبُونَ بَيْوَهُمْ بَأْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْبِرُوا بِاُولَى الْأَنْصَارِ﴾ (حشر/۲)



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

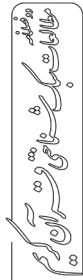
واژگان	تکرار	الفاظ و نشانی آیه
مُحْصَنَاتِ	۱	﴿فَإِنَّكُمْ هُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوْهُنَّ أُجْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرُ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ﴾ (نساء ۲۵)
مُحْصَنَةٌ	۱	﴿لَا يُغَاوِلُنَّكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرْبِ مُحْصَنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ يَأْسِهِمْ بِئْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (حضر ۲۴)
مُحْصَنِينَ	۲	<p>﴿وَالْمُحْصَنَاتِ مِنِ النَّسَاءِ إِلَّا مَا مَكَثَ أَيْمَانُكُمْ كِتَابُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُولَئِكُمْ مَا وَرَاءَ ذِلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَنْوَالِكُمْ مُحْصَنِينَ غَيْرُ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَعْتَمْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَأَتُوْهُنَّ أُجْرَهُنَّ فَرِيَضَةٌ وَلَا جُنَاحٌ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيَضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْمًا حَكِيمًا﴾ (نساء ۲۶)</p> <p>﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيَّابُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قِلِيلٍ كُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجْرَهُنَّ مُحْصَنِينَ غَيْرُ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرُ بِالْأَيَّامِ فَقَدْ حَطَّ عَهْلَهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (ماائدہ ۵)</p>

از این ریشه، الفاظ پنج بار در قالب فعلی ذکر شده‌اند: **أَحْصَنَ**، **أَحْصَنَتْ** (۲بار)، **تَحْصِنُونَ** و **لِتُحْصِنَكُمْ** - که غالبا در باب افعال است و از جمله معانی باب افعال، آن است که فاعل (یا مفعول) دارای ماده فعل و صفت آن شود. ۱۳ بار نیز در قالب اسمی به کار رفته که اکثر آن ناظر به جنس مؤنث- **المُحْصَنَاتِ** (۴بار)، **المُحْصَنَاتُ** (۳بار)، **مُحْصَنَاتِ**، **تَحَصَّنَا** - است.

۲. معنای لغوی و اصطلاحی واژه «احسان»

مکانی را که «حصن» داشته باشد، نمی‌توان به درونش دست یافت و «الحصينه» به معنای زرهی است که محکم بافته شده باشد. اگر زن در «محصن بودن» فاعل باشد یعنی همسرش او را از را از نفوذ و دسترسی غیر، محافظت می‌کند و اگر مفعول باشد یعنی همسرش دسترسی دیگران محافظت می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۱۱۹/۳) پس منظور از **أَحْصَنَتْ** دسترسی فرجه (تحریم ۱۲/۱) ازدواج است. البته که «الْمُحْصَنَةُ» بودن علاوه بر ازدواج، می‌تواند ناشی از عفت، شرف و آزادگی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲۹) و اسلام آوردن هم باشد. (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۹۷/۱) پس اصل معنای آن، منع است (ابن منظور، ۱۳۶۷: ۱۱۹/۱۳) و به همین دلیل مراد از «احسان» مکانی است که ارتفاع بلندش، مانع از آن است که بر آن احاطه یابند. (فیومی، ۱۴۱۴: ۱۳۹/۲) همان‌گونه مرد می‌تواند با ازدواج، از دسترسی های ناپسند افراد، در امان بماند. (طريحي، ۱۳۷۵: ۲۳۷۲۳۶/۶) نتیجه نهایی «احسن» حفظ مطلق چیزی در ظاهر و باطن و حالتی شخصی است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۲۴/۲).

واژه «احسان» در اصطلاح فقهی به دو معنای «همسر داشتن» و «پاکدامنی» است که در منابع فقهی، از معنای اول به «احسان الرجم» و از معنای دوم به «احسان القذف» نیز یاد می‌شود. (هاشمی شاهروodi، ۱۴۲۳: ۱۱۱/۷) معنای اصطلاحی دیگر در مورد جرم قذف که



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

احسان از اجتماع عقل، بلوغ، حریت، اسلام و عفت در یک فرد حاصل می‌شود، احسان از اصطلاحات فقهاء بوده و در نصوص شرعی نشده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۶۱) احسان در حقوق کیفری، بیانگر وضعیت شخص عاقل و بالغی است که به عقد دائم ازدواج کرده و همسرش پیوسته برای تمتع جنسی در اختیار وی است و مانعی برای وطی در میان نیست. که این نکته از ماده ۸۳ الی ۸۶ قانون مجازات اسلامی در مورد زنای محضنه و شرایط تحقق احسان است. (ابن مکی، ۱۳۷۴: ۵۲/۲؛ ایمانی، ۱۳۸۲: ۲۹)

۲.۳. بررسی همنشینی‌های معنایی «إحسان»

واژه «احسان» و ساختارهای مختلف آن، دارای همنشینی‌های متعددی است، اما واژگان همنشین اصلی که در غالب اشتقاءات این ریشه واژه دیده می‌شوند و بسامد بالایی در همنشینی با واژه احسان دارند، شامل «نکح»، «مومن»، «فرج»، «قری»، «لبس»، «حلل»، «رمی» و «منع» در اولویت قرار داشته و اهمیت بیشتری دارند.

۲.۳.۱. همنشینی «إحسان» با «نكاح»

«نکح» در لغت به معنای عقد و پیمان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۳) بوده که مجرای ازدواج می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۶۲/۳) پس معادل با ازدواج و به معنای تعهدی دو طرفه میان زن و مرد بر مبنای قواعد دینی یا عرفی است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۳۴/۱۲)

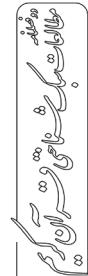
در آیه ۲۵ نساء می‌توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِنْ كَحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ...﴾

اشارة آیه آن است کسانی که قدرت ندارند که با زنان آزاد، ازدواج کنند می‌توانند با کنیزانی ازدواج نمایند که مهر و سایر مخارج آنها معمولاً سبکتر و سهل‌تر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۴۸/۳) بر اساس آیه از جمله شروطی که برای ازدواج باید در فرد طرف مقابل وجود داشته باشد، محسن بودن و عفت ورزی است و جالب آن جاست که خداوند این صفت را بر مومن بودن مقدم کرده «المُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ» تا اهمیت مضاعف آن را به مخاطب منتقل کند. پس نیازی به انحصار مفهوم آن در ازدواج نیست و فرد می‌تواند با مراعات حیا، خود را درون یک محیط مصون کننده قرار دهد.

۲.۳.۲. همنشینی «إحسان» با «ایمان»

همشین دیگر، واژه «مومن» از ریشه «امن» که در اصل به معنای آرامش خاطر و آرامش نفس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰) و ضد ترس (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۳۸۸/۸) است. ایمان، به معنای تصدیق (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۶۹/۲) و مومن کسی است که متصف به ایمان باشد.

(طريحي، ۱۳۷۵: ۲۰۶/۲)



سال پنجم
شماره دوم
پياپي:
پايز و زمستان

۱۴۰۰

در آيه ۲۵ نساء می توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿أَن ينكح الْمُحْصَناتِ﴾ با توجه به مفهوم آيه، از جمله شروطی که يك مومن در انتخاب همسر خود باید مراعات کند، مومن بودن اوست؛ زیرا ايمان می تواند انسان را از ارتکاب موارد متعددی از امور خلاف عفت باز بدارد و نوعی آرامش خاطر و عزت نفس را به ارمغان آورد. ايمان به آئين اسلام يکی از شرایط احسان است، اما اين امر به مفهوم نفي احسان و پاکدامنی از مومنان به سایر اديان الهی نیست.

۲.۳. همنشینی «إحسان» با «فرج»

يکی از همنشین‌ها، واژه «فرج» است که در لغت به معنای گشودن (طريحي، ۱۳۷۵: ۳۲۲/۲) و شکافتنگی ميان دو چيز بوده (راغب اصفهاني، ۱۴۱۲: ۶۶۸) که مصدق آن، عورت مردان و زنان است. (فراهيدى، ۱۴۰۷: ۱۰۹/۶)

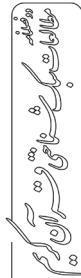
در دو آيه از قرآن می توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿وَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَفَخَنَتْ فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَنَنَا وَ ابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبياء/۹۱)، ﴿وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عُمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَفَخَنَتْ فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتُبِهِ وَ كَانَتْ مِنَ الْفَاتِنِينَ﴾ (تحريم/۱۲)

هر دو آيه ناظر به حضرت مريم(س) و مدح او به داشتن عفت و رد تهمت يهود بر وي بوده (طباطبائي، ۱۴۱۷: ۳۱۷/۱۴) و دو نكته از آن قابل برداشت است: ۱. تعبير پاکدامنی که معادل «حصن فرج» است به معنای ممانعت از سوءاستفاده غير به عورت فرد بوده و عفت ورزى، مفهوم رايح متناظر به آن است. ۲. از آنجا که بحث پاکدامنی حضرت مريم(س) مرتبط به قبل از ازدواج است، از نظر مفهومي نمي توان احسان را تنها منحصر در ازدواج دانست.

۲.۴. همنشینی «إحسان» با «قرىٰ»

واژه همنشين دیگر، واژه «قرىٰ» است که عرب، آن را برای جمع کردن آب در حوض هم استفاده کرده (فراهيدى، ۱۴۰۷: ۴/۵) و عموما برای شهر و يا جايي که مردم در آنجا مجتمع هستند، استعمال مي گردد. (راغب اصفهاني، ۱۴۱۲: ۶۶۹) بدین رو مي توان آن را ناظر به تجمیع افراد و ساختمانها به همراه سازماندهی دانست. (مصطفوي، ۱۳۷۴: ۹/۲۵۳)

در آيه ۱۴ حشر می توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعاً إِلَّا فِي قُرَىٰ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بِيَنْهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يُقْلِلُونَ﴾ آيه اشاره دارد که يهود و منافقان نمي توانند بصورت جمعي با مسلمان بجنگند جز اينکه در مكانی محافظت شده با ابزاری چون خندق يا پشت دیوار قرار بگيرند؛ زира خداوند



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
۹ پاییز و زمستان
۱۴۰۰

در قلوب آنها ترس ایجاد می‌کند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۱۰/۲۹) بر اساس مفهوم آیه، صفت «محسن بودن» علاوه بر اشخاص، ناظر به اشیا هم می‌باشد و افراد با پناه بردن به پناهگاهها و ابزارهای مستحکم، از ورود آسیب به خود ممانعت می‌کنند.

۲.۳.۵. همنشینی «إحسان» با «لبس»

واژه همنشین بعدی، «لبس» در لغت به معنای چیزی است که بدن را پوشاند (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۲۶۲/۷) که مصدقابارز آن لباس است (ابن منظور، ۱۳۶۷: ۲۰/۶؛ اما قید اصلی معنای این واژه، پوشاندن جهت حفظ کردن است، پس شامل مصاديق متعدد مادی و معنوی چون لباس بدن، لباس کعبه، پوشش کجاوه یا هر یک از زن و شوهر (به عنوان محافظ یکدیگر) خواهد بود. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۵۹/۱۰)

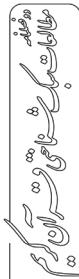
در یک آیه می‌توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿وَعَلَّمَنَا صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُخْصِنُكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهُلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ (انبیاء/۸۰) آیه مرتبط با ساخت زره، به عنوان یکی از نعمات الهی به حضرت داود است. معنای کلی لبوس در نزد عرب، سلاح است که شامل زره، سپر، شمشیر و نیزه می‌شود. (طوسی، بی‌تا: ۲۶۹/۷) بر اساس این آیه، محسن بودن صفتی برای لباس جنگی بیان شده و محکم بودن آن مانع از خطرات میدان جنگ برای فرد شود.

۲.۳.۶. همنشینی «إحسان» با «حل»

از دیگر همنشین‌ها، واژه «حل یحل» با مصدر حلال است که در تقابل با حرام و به معنای ملاک برای انجام دادن یا ترک فعلی است. (فیومی، ۱۴۱۴: ۲۶/۳) اصل معنای آن، رفع گره و حرمت (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۷۰/۲) و بیان اجازه برای ورود به کار یا مکانی است.

در یک آیه از قرآن می‌توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿الْيَوْمَ أَحْلَلَ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الدِّينِ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْسَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْسَنَاتُ مِنَ النَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْسِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبَطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (مائده/۵)

در این آیه جمله مورد بحث ما «المُحْسَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْسَنَاتُ مِنَ النَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ» عطف به «الطَّيِّبَاتُ» است و همان حکم حلیت طرفینی درباره طعام اهل کتاب و مسلمانان، پیرامون ازدواج طرفینی نیز جاری بوده و مراد از «محسنات» هم عفت و رزیدن از زنا و روابط نامشروع است. (قاسمی، ۱۴۱۸: ۵۴/۴) البته برخلاف اهل سنت، عمدۀ علمای شیعی، حلال بودن ازدواج با زنان اهل کتاب را فارغ از محسنه بودن، صرفا در عقد موقعت جایز دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۱/۳) در این آیه از جمله شروط حلالیت رابطه و مجوز ورود و بهره‌مندی در ازدواج، داشتن عفت و محسنه بودن و ایمان به ادیان آسمانی است.



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

۷.۳.۲ همنشینی «إحسان» با «رمی»

از دیگر واژه‌های همنشین، واژه «رمی» است که برای اجسام مثل تیر و سنگ به کار می‌رود و کاربرد آن در گفتگو، کنایه از بدگویی و دشمنان و تهمت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۶) در اصل نیز به معنای پرتاب کردن و انداختن چیزی از روی بی‌نیازی به آن است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۳۷)

در دو آیه می‌توان همنشینی این دو واژه را مشاهده نمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعْنَاهُنَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/۲۳)، ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدًا وَلَا تَقْبِلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَئِنَّا وَأَولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۴)

هر چند سبب نزول آیه مذکور، نفی تهمتی بود که به عایشه همسر پیامبر اسلام(ص) زده بودند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵/۵)، اما مضمونش عام بوده و شامل تمام زنان مومن می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۴/۱۵) بدین رو هر گونه تهمت زدن به زنان مومنی که عفیف هستند و از هر گونه آلودگی بی‌خبرند، با لعنت الهی در دنیا و آخرت مواجه خواهد شد. بر اساس آیه باید برای نسبت دادن رفتار و گفتار به دیگران دقت کرد و در واقع، محققته بودن یک زن در نگاه عرف، دقت سایر افراد را در پرهیز از نسبت دادن موارد ناپسند به وی، مضاعف می‌نماید.

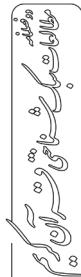
۷.۳.۳.۲ همنشینی «إحسان» با «منع»

واژه همنشین دیگر، «منع» در لغت به معنای حائل شدن بین فرد و اراده‌اش (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲) و ضد بخشش (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲۴) و در اصل، ایجاد حالتی است که فرد قادر بر کاری را از آن، ناتوان سازد یا ایجاد حالتی است که موجب توقف جریان عملی شود. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۷۹/۱۱)

نمونه همنشینی آن: ﴿...مَا ظَنَّتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَلُّوا أَنَّهُمْ مَانِعُتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَنَّا هُمْ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا...﴾ (حشر/۲) آیه به گمان باطل قبیله یهودی «بنی النضیر» اشاره دارد که گمان کردن قلعه‌های آنها، مانع از تسليط خدا و نزول عذابش بر آنهاست. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹) صفت ممحن بودن در این آیه، ناظر به قلعه (نماد ساختمنان یا ابزار) است که بر اساس توهם یهودیان، مانع از رسیدن عذاب الهی به واسطه هجوم مسلمانان بود.

۷.۴ بررسی جانشین‌های معنایی «إحسان»

در هیچ زبانی هم معنایی مطلق وجود ندارد، یعنی هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که در تمامی جملات زبان بتوانند به جای یکدیگر به کار روند و تغییری در زنجیره پدید نیاورند. (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۰۶) با این حال می‌توان با تأملی در بافت‌هایی که بر اساس سیاق، با واژگان دیگر قرآنی دارای همراستایی معنایی با «إحسان»، شبکه مفهومی واژگان مشتق از



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

«حسن» را کامل نمود که این واژگان جانشین شامل «عفف» و «حفظ» است.

۲.۴.۱. جانشینی «عفاف» از «إحسان»

واژه «عفف» در لغت به معنای خودداری کردن از آنچه حلال نیست (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۹۲/۱) و حاصل شدن حالتی برای نفس و جان آدمی است که به وسیله آن از تسلط شهوت، جلوگیری می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۳) از جمله آیاتی که این جانشینی معنایی را نشان می‌دهد، آیه ۳۳ نور است: ﴿وَلَيُسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكاحًا حَتَّىٰ يُعْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾

زمانی که برای مؤمن وسیله ازدواج فراهم نمی‌گردد و خواه یا ناخواه انسان مجبور است مدتی را با محرومیت بگذراند، نباید گمان کنند که آلدگی جنسی برای او مجاز است، بلکه باید پاکدامنی ورزد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۵۹/۱۴) عفاف هم مانند احسان، به عنوان یک نیروی درونی، انسان را از تمایل به شهوت باز می‌دارد و می‌تواند مانع از رسیدن آسیب‌های جسمی و روحی به انسان شود.

۲.۴.۲. جانشینی «حفظ» از «إحسان»

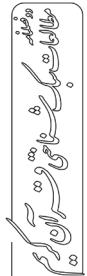
واژه دیگر، «حفظ» بوده که به معنای جلوگیری از ضایع و تلف شدن (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۴۱/۷) و نقیض فراموشی و نشانگر اندک بودن غفلت در فرد است. (ابن منظور، ۱۳۶۷: ۴۴۱/۷) همچنین گاهی به حالتی از جان و نفس گفته می‌شود که در آن، فهم با آرامش به او می‌رسد و ثابت می‌ماند و گاهی نیز در معنی قدرت خودداری و ضبط نفس است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۴) بدین رو حقیقت معنای حفظ، مراقبت و نگهداری مطلق است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۵۳/۲)

از جمله آیات نشان دهنده قرابت معنایی این دو واژه، آیه ۲۵ سوره احزاب است: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾

منظور از حفظ فرج، کترل میل جنسی و تسلط بر دفع آن بر اساس تقوا و خضوع در برابر شریعت الهی و تامین حکمت او از رابطه جنسی مشروع برای آبادنی زمین و ترقی حیات انسانی است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۸۶۳/۵) در آیات دیگر ترکیب «احصنت فرجها» به کار رفته که معادل «حفظ فرج» است و در هر دو، مراقبت از میل جنسی و اندام تناسلی از انحراف و ممانعت از رسیدن آسیب به حیات انسانی مورد تأکید است.

۲.۵. بررسی تقابل معنایی با واژه احسان

یکی از راههای شناخت معنا و مفهوم هر واژه، شناخت واژگان مقابل آن است. «روابط



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

تقابلی» یا «تضاد» بین دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند، ولی یکدیگر را نقض کرده و در مقام تضعیف و نفی یکدیگر هستند و از این رو در عین اتحاد در کلیت معنا از جهات دیگری با یکدیگر افتراق دارند. تقابل معنایی گونه‌های مختلفی را شامل می‌شود و تحلیل مفهوم بر جسته‌ترین واژگان متضاد «احسان» به درک جامع‌تری از مفهوم آن کمک می‌کند.

۲.۵.۱. تقابل معنایی «احسان» و «أیامی»

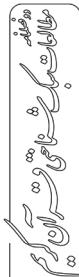
ازدواج یکی از شرایطی است که می‌تواند دستیابی به «احسان» را فراهم کند، بدین رو گاهی، معنای «محصن بودن» در برابر غیر متاهل بودن قرار می‌گیرد که در ادبیات قرآنی از آن به «الْأَيَامِ» (نور/۳۲) یاد شده و در لغت به معنای زن یا مرد بدون همسر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۰) البته اصل این واژه به معنای اضطراب بدون آرامش است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۹۶۱) که درخصوص فرد بی‌همسر، ناظر به اضطراب او در تأمین نیازهای جسمی و روحی به دلیل نبود همسر خواهد بود.

ایه ۲۴ نساء، تقابل معنایی دو واژه مذکور را بیان می‌دارد: **وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكُتُ أَيْمَانُكُمْ كِتَابُ الله** منظور از محصنات، زنان شوهردار است و آیه به حرمت ازدواج با آنها اشاره دارد. این ممنوعیت شامل زنان شوهردار از هر مذهب و ملتی شده و تنها استثنایی که آیه بیان کرده، در مورد زنان شوهردار غیر مسلمانی است که به اسارت مسلمانان در جنگ‌ها درمی‌آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۳۳/۳) ارتباط بین احسان و ازدواج از این جهت است که ازدواج، زن را در حصار شوهر قرار می‌دهد و باعث احترام نهادن به او و عدم طمع و نظرداشت به او می‌شود؛ زیرا ازدواج می‌تواند او را از دستبرد آزار مزاحمان باز دارد.

۲.۵.۲. تقابل معنایی «إحسان» و «فتی»

در قرآن کریم از پنج واژه برای بیان مفهوم بردگی استفاده شده که شامل «عبد» (بقره/۱۸۷)، «رقبه» (مائده/۸۹)، «امه» (نور/۳۲)، ملک یمین (نساء/۳) و «فتی/فتوا» (یوسف/۳۰) است. واژه مورد نظر که سیاق مستقایت واژه «احسان» در قرآن نیز قرار دارد **فَتَيَّاتُكُمْ** بوده که ریشه اصلی آن، «فتوا» به معنای جوان (فراهیدی، ۱۴۰۷/۸: ۱۳۷) که به صورت کنایه برای بردگان زن و مرد استعمال می‌شد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۵) البته می‌توان مفهوم محوری این واژه را امری بالغ و تام (فارغ از مادی یا معنوی بودن) دانست که مصاديق مختلفی از جمله جوان در نهایت قدرت عقلی است، دارد و دلیل نام نهادن برده به «فتی» به دلیل تام بودن خصوص و احترام برده در برابر مالک خویش است. (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۸۹)

ایه بیانگر تقابل معنایی دو واژه مذکور، آیه ۲۵ سوره نساء است: **وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكُتُ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَّاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ**



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

مراد از محسنات زنان آزاد است، چون در مقابلش فیيات را آورده، که به معنای کنیزان است، و عین این مقابله شاهد بر آن است که مراد از محسنات زنان عفیف نیست، چون اگر آن بود شامل زنان آزاد و برد هر دو می شد، دیگر زنان برد را در مقابلش ذکر نمی کرد و بلکه در مقابل زنان عفیف زنان غیرعفیف را نام می برد و نیز منظور از آن زنان شوهردار نیست، برای اینکه زنان شوهردار را نمی توان نکاح کرد و نیز منظور زنان گرویده به اسلام نیست و گرنه احتیاج نداشت بفرماید زنان محسنه، بلکه همان قید مؤمنات کافی بود؛ زیرا مؤمنات، مسلمات نیز هستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷۵/۴)

بردگی یک از عواملی است که موجب از دست رفتن شرایط «احسان» می شد؛ زیرا در دوران جاهلیت و صدر اسلام، زنا در بین کنیزان شایع بود و مالکان آنها، کنیزان را وادار به این کار می کردند، اما زنان آزاد از ارتکاب آن ننگ داشتند. اساساً آزاد بودن زن مانع می شود از اینکه کسی مالک ناموس او شود و یا آزاد بودنش می تواند مانع شود از اینکه مرتکب زنا گردد. البته می توان این نکته را کنایه ای هم دانست که کسی که برده شهوت خود است، توانایی احسان و مراقبت و ممانعت نفس خود از ارتکاب به انحراف ها را ندارد.

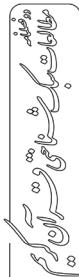
۲. ۵. تقابل معنایی «احسان» و «فاحشه»

«فاحشه» به معنای هر کار یا حرفی برخلاف حق (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۹۶/۳) که زشتی آنها بسیار بزرگ و آشکار است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۶) فحشاء و فاحشة در قرآن به زنا (إسراء/۳۲)، لواط (نَمْلٌ/۵۴ و أعراف/۸۰)، مساقنه (نساء/۱۵) به قولی، تزویج نامادری (ازدواج با زن پدر پس از وفات پدر) (نساء/۲۲) و هر کار بسیار زشت گفته شده است و در آیه (الطلاق/۱) به معنی اذیت اهل خانه و دشمن دادن است. (ر.ک: قرشی، ۱۴۱۲: ۱۵۴-۱۵۳) یکی از ویژگی های «فاحشه» آن است که در قرآن اغلب اوقات در ارتباط با نام شیطان استعمال می شود. (ر.ک: ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۴۸۲)

از چمله آیاتی که تقابل معنایی «احسان» و «فاحشه» را نشان می دهد، آیه ۲۵ نساء است:

﴿فَإِذَا أَحْصَنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْسِنَاتِ مِنِ الْعَذَابِ...﴾

ایه بیانگر آن است کنیزانی که بر اثر فشار صاحبان خود تن به خودفروشی می دادند از مجازات معاف هستند، اما کنیزانی که تحت چنین فشاری نیستند و می توانند پاکدامن زندگی کنند، اگر مرتکب عمل منافي عفت شدند همانند زنان آزاد مجازات می شوند اما مجازات آنها نصف مجازات زنان آزاد است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۱/۳) پس در مقابل «احسان» و پاکدامنی، «فحشا» هم قرار دارد که به معنای عمل منافي عفت و دارای زشتی آشکار است که خداوند از آن نهی فرموده و به دلیل آسیب هایی که به فرهنگ اجتماعی وارد می کند، برای آن مجازات تعیین فرموده است.



سال پنجم

شماره دوم

پیاپی:

پاییز و زمستان

۱۴۰۰

۲.۵. تقابل معنایی «احسان» و «مسافحه»

در قرآن مفهوم «احسان»، تقابل آشکاری با مفهوم «مسافحه» دارد. قرآن در آیه ۵ سوره مائدہ **﴿...وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ...﴾** و نیز در آیه ۲۵ سوره نساء **﴿...وَ لَا مُتَّخِذَى أَخْدَانٍ﴾** زنان و مردان را از داشتن روابط دوستانه با جنس مخالف بر حذر داشته و آن را مورد مذمت قرار داده است. **«مسافحه»** از ریشه **«سفح»** به معنای ریختن و جاری کردن (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱۳۴/۵) و عدم حفاظت از چیزی است که شأن آن، مستلزم محافظت است. (مصطفوی، ۱۳۵/۵: ۱۳۷۴)

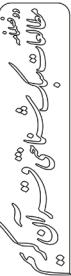
آنچه که این آیه به آن اشاره دارد صرف رابطه پنهانی نیست؛ بلکه مربوط به باوری است که در دوره جاهلیت مرسوم بوده است. از ابن عباس نقل شده است که در دوره جاهلیت قومی بوده است که زنای آشکار را حرام و زنای پنهان را حلال می دانسته‌اند. سپس خداوند آن‌ها را از هر گونه زنا، چه پنهان و چه آشکار نهی کرد. لذا می‌توان گفت منظور از آیه **﴿غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ﴾** غیر زانی بودن است؛ چه زنای آشکار و چه زنای پنهان. (طبری، ۱۳۷۲: ۵۵/۳) برخلاف **«حصن»** که محفوظ نگه داشتن ظاهر و باطن چیزی است، **«سفح»** به معنای عدم حفاظت چیزی از خود و تجاوز از حد عفت و عصمت است. فرد **«محسن»** با اختیار خود از خود محافظت کرده و جلوی افتادن خود در ورطه آسیب دیدن و انحراف را می‌گیرد، اما فرد **«مساحف»** با سوءاستفاده از اختیار، خود را به ورطه فجور و زنا می‌اندازد.

۲.۶. تقابل معنایی «احسان» و «بغی»

واژه دیگری که تقابل معنایی با «احسان» دارد، **«بغی»** است که در لغت به معنای شکافتمن (فراهیدی، ۱۴۰۷: ۴۵۳/۴) و قصد تجاوز نمودن یا عبور از میانه‌روی «چه در عمل به تجاوز متنه شود یا نشود» است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۵) معنای اصلی آن، طلب شدید و اراده مؤکد بر کاری است که بر اساس قرائی مختلف، معنای متفاوتی می‌یابد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۹۵/۱) اما در کاربرد قرآنی، از روی بی‌نیازی بیش از حد، برخلاف شرع و قانون و نیز بیدادگرانه عمل کردن علیه دیگران است. (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۲۹۳)

پیرامون تقابل معنایی **«بغی»** و **«احسان»**، شواهدی از قرآن وجود دارد؛ به رغم آنکه در آیه ۱۲ سوره تحریم، حضرت میریم(س) به خاطر رعایت پاکدامنی به «الَّتِي أَحْسَنَتْ فَرْجَهَا» توصیف شده اما در آیه **﴿يَا أَخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أُبُوكٌ أَمْرًا سَوْءٌ وَمَا كَانَتْ أُمُّكٌ بَعِيْدًا﴾** (مریم ۲۸/۲)

قید **«ما كَانَتْ أُمُّكٌ بَعِيْدًا»** بیانگر توبیخ تأکیدی به حضرت میریم(س) است (قاسمی، ۱۴۱۸: ۹۲/۷) و تهمت ناروای زنا توسط بنی اسرائیل به ایشان است زیرا مادر او را فردی می‌دانند که از حریم (جنسی) تجاوز نمی‌نمود، اما او را که بدون همسر دارای فرزند شده، تعدی کننده



سال پنجم

شماره دوم

پیاپی:

پاییز و زمستان

۱۴۰۰

از حریم مذکور دانستند. نمونه دیگر، آیه ﴿لَا تُكِرُّهُوا فَتَيَا تُكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرْدَنَ تَحَصَّنَا...﴾ (نور/۳۳)

این آیه نشان می‌دهد که تا چه حد در عصر جاهلیت مردم گرفتار انحطاط و سقوط اخلاقی بودند که حتی بعد از ظهور اسلام نیز بعضًا به کارهای تجاوز‌گرانه خود ادامه می‌دادند از جمله اینکه کنیزان خود را برای کسب درآمد بیشتر، مجبور به خودفروشی می‌کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۱/۱) «احسان» و پاکدامنی به معنای ممانعت از عبور از حریم‌ها و حفاظت از آن‌هاست و «بغی» به معنای تجاوز از حدود است.

نتیجه‌گیری

برجسته‌ترین نکات به دست آمده از این پژوهش را می‌توان در نکات زیر بیان داشت:

۱- اشتقاقات واژه «احسان» در قرآن را می‌توان در دو محور عمده دانست: محور اول: آیات مربوط به ویژگی‌های انسان و محور دوم: آیاتی که دلالت صفات اشیاء دارد و از همین حیث جنبه وصفی این ریشه واژه و چگونگی کاربرست آن در قرآن موضوعیت می‌یابد. در قرآن زنان برگزیده‌ای چون حضرت مریم(س) با این صفت ستوده شده‌اند (تحریم/۱۲) و نیز از دیگر استعمالات این کلمه «قری حصینه» (حشر/۱۴) یعنی ذری که صاحبیش را از آسیب باز می‌دارد.

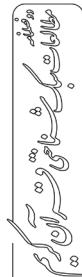
۲- تحلیل واژگان دارای روابط همنشینی با «احسان» بیانگر آن است که ایمان به آیین اسلام و ازدواج که زمینه استفاده حلال از میل جنسی را فراهم می‌آورد، مانند زره جنگی یا ذری مستحکم برای انسان بوده و مانع از انحراف و آلودگی او و در نتیجه مورد تهمت قرار گرفتن توسط دیگران می‌شود.

۳- تحلیل واژگان دارای روابط جانشینی با «احسان» بیانگر آن است که انسان با حفاظت از حریم الهی و پرهیز از چیزهایی که حلال نیست، می‌تواند به «عفت» به عنوان یکی دیگر از شرایط تحقق «احسان» دست یابد.

۴- تحلیل واژگان دارای تقابل معنایی با «احسان» بیانگر آن است که پرهیز بدون دلیل از ازدواج، بردگی و میل به روابط نامناسب پنهانی و آشکار با نامحرم، از جمله عوامل از دست دادن شرایط «احسان» است.

۵- به رغم اینکه از نظر احکام فقهی بر ازدواج به عنوان یکی از شرایط مهم تحقق «احسان» تأکید شده و در شدت مجازات فرد مجرم مدنظر است، اما از نظر احکام اخلاقی، صرف عدم ازدواج، مانع از تحقق «احسان» و مجوزی برای شکستن حریم الهی در مسائل جنسی نیست.

كتابات

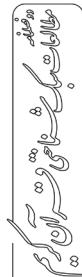


سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۹
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- فرآن کریم: ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش): «النهاية في غريب الحديث والأثر»، تحقيق: محمود طناхи، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۰۷ق): «نزهه الاعین التواظر في علم الوجوه والنظائر»، تحقيق: كاظم الراضی، بیروت: موسسه الرساله.
- ابن فارس، محمد (۱۴۲۳ق): «معجم مقاييس اللغة»، بی جا: اتحاد الكتاب العرب.
- ابن مکی، محمد (۱۳۷۴ش): «شرح لمعه دمشقیه»، قم: مكتب اعلام اسلامی.
- ابن منظور، محمدين مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
- ایزوتسو، تووشی هیکو (۱۳۸۱ش): «خدا و انسان در قرآن»، ترجمه: احمدآرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایمانی، عباس (۱۳۸۲ش): «فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری»، تهران: آریان.
- پالمر، فرانک رابت (۱۳۹۱ش): «نگاهی تازه به معناشناسی»، ترجمه: کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز، چاپ ششم.
- تقییسی، حبیش بن ابراهیم (۱۳۶۰ش): «وجوه قرآن»، تحقيق: مهدی محقق، تهران: بنیاد قرآن.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷ش): «ترمینولوژی حقوق»، تهران: کنج دانش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): «مفہدات الفاظ القرآن»، تحقيق: صفوان عدنان، بیروت: دار القلم.
- رکعی، محمد، نصرتی، شعبان (۱۳۹۶ش): «میدان های معنایی در کاربست قرآنی»، قم: دارالحدیث.
- سیدقطب، ابن ابراهیم (۱۴۱۲ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت - قاهره: دارالشوف، چاپ هفدهم.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق): «الدر المتشور في تفسیر المأثور»، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- شریفی، علی (۱۳۹۴ش): «معناشناسی قرآن در اندیشه شرق شناسان با تأکید بر ایزوتسو»، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷ش): «درآمدی بر معناشناسی»، تهران: سوره مهر، چاپ سوم.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق): «مجموع البيان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرين»، تحقيق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «مفاتیح الغیب»، دارالحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير»، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق): «محاسن التاویل»، تحقيق: محمد عیون السود، بیروت: دار الكتب العلمیه.
- فرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق): «قاموس قرآن»، تهران: دار الكتب الاسلامیة، چاپ ششم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۴ش): «التحقيق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- نویسنده‌گان (۱۳۸۷ش): «دانه‌های المعارف قرآن کریم»، قم: بوستان کتاب.
- Burton, John,(1974),Journal of semitic studies , Vo 19, pp 47- 74.

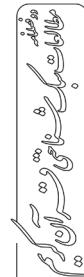
Bibliography

- Holy Quran: translated by Nasser Makarem Shirazi
- Ibn Athir, Mubarak bin Muhammad (1367 SH): "Al-Nahiya fi Gharib al-Hadith and Athar", research: Mahmoud Tanahi, Qom: Ismailian Press Institute, 4th edition.
- Ibn Jozai, Abd al-Rahman (1407 A.H.): "Nazha al-Ain al-Nawazir in the science of al-Ajuwa and the like", research: Kazem al-Razi, Beirut: Al-Rasalah Institute.
- Ibn Faris, Muhammad (1423 A.H.): "Majam Maga'is-al-Lagha", Bija: Ittihad Al-Kitab Al-Arab.
- Ibn Makki, Muhammad (1374SH): "Explanation of Lamea Damascus", Qom: School of Islamic Information.
- Ibn-Manzoor, Muhammad bin-Mukaram (1414 AH): "Languages of the Arabs", Beirut: Dar Sadir.
- Izutsu, Toshi-Hiko (1381SH): "God and Man in Qara", translation: Ahmad Aram, Tehran: Publishing Company.
- Imani, Abbas (1382 SH): "Dictionary of Criminal Law Terms", Tehran: Arian.
- Palmer, Frank Robert (1391 SH): "A New Look at Semantics", translated by: Korosh Safavi, Tehran: Nash Karzan, 6th edition.
- Tbilisi, Habish Ibn Ibrahim (1360SH): "Faces of the Qur'an", research: Mehdi Mo-haqq, Tehran: Qur'an Foundation.
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar (1387SH): "Legal Terminology", Tehran: Ganj Danesh.
- Ragheb Ḩ-Esfahani, Hossein ᨨ-Ben ᨨ-Mohammed (1412 AH): "Vocabulary of the Qur'an", researcher: Safwan Adnan, Beirut: Dar al-Qalam.
- Rakei, Mohammad, Nosrati, Shaaban (1396 SH): "Semantic Fields in Quranic Application", Qom: Dar al-Hadith.
- Seyed Qutb, Ibn Ibrahim (1412 AH): "In the Shadows of the Qur'an", Beirut-Cairo: Dar al-Shoroq, 17th edition.
- Siyuti, Jalal al-Din (1404 A.H.): "Al-Dar al-Munthur in Tafsir al-Mathur", Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library.
- Sharifi, Ali (1394 SH): "The Semantics of the Qur'an in the Thought of Orientalists with an Emphasis on Izutsu", Qom: University of Religions and Religions Publications.
- Safavi, Kurosh (1387 SH): "Introduction to Semantics", Tehran: Surah Mehr, third edition.
- Tabatabaiyi, Seyyed Muhammad Hossein (1417 AH): "Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an", Qom: Madrasin Society, 5th edition.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan (1372 SH): "Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasser Khosrow Publications, third edition.
- Tarihi, Fakhreddin (1375 SH): "Bahrain Assembly", research: Ahmad Hosseini Ashkouri, Tehran: Mortazavi, third edition.
- Fakhrazi, Muhammad bin Omar (1420 AH): "Mufatih al-Gheeb", Darahiyah al-Tarath al-Arabi, third edition.



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
پاییز و زمستان
۱۴۰۰

- Fayoumi, Ahmed bin Muhammad (1414 AH): "Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir", Qom: Dar al-Hijrah Institute, second edition.
- Ghasemi, Muhammad Jamal al-Din (1418 AH): "Mahasan al-Tawail", research: Muhammad Ayoun al-Soud, Beirut: Dar al-Kutub al-Alamiyyah.
- Qurashi Banai, Ali Akbar (1412 AH): "Dictionary of the Qur'an", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 6th edition.
- Mostafavi, Hassan (1374SH): "Research on the words of the Holy Qur'an", Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Makarem Shirazi, Nasser (1374 SH): "Tafsir al-Mushon", Tehran: Dar al-Ketub al-Islamiyya.
- Authors (1387 SH): "Encyclopedia of the Holy Quran", Qom: Bostan Kitab.
- Burton, John, (1974), Journal of semitic studies, , Vo 19, pp 47-74



سال پنجم
شماره دوم
پیاپی:
پاییز و زمستان
۱۴۰۰